

تفسير احمد

سوره الشرح



۱۳۹۴

ترجمه و تفسير سوره الشرح
تتبع و نگارش: الحاج امين الدين « سعيدى - سعيد افغانى »
مهتم و ديزاين: الحاج سليم عابد « پيمان »

سوره الشرح

سوره الشرح

این سوره در « مکه » نازل شده و دارای 8 آیه است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَمْ نَشْرَحُ لَكَ صَدْرَكَ ﴿١﴾ وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ ﴿٢﴾ الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ ﴿٣﴾ وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ ﴿٤﴾ فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ﴿٥﴾ إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ﴿٦﴾ فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ ﴿٧﴾ وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ ﴿٨﴾

معلومات موجز:

«سوره الشرح» مکی، و دارای (1) رکوع، (8) هشت آیت، (27) بیست و هفت کلمه، (102) یکصد و دو حرف، و (37) سی و هفت نقطه است. مفسرین می گویند که: این سوره بدان جهت «شرح» یا «انشراح» نامیده شد که از شرح صدر نبی اکرم صلی الله علیه وسلم یعنی روشن کردن و گشاده داشتن آن با نور هدایت و حکمت و ایمان، خبر می دهد. از متن و محتوی این سوره وهم اهنگی اش با سوره «الضحی» بو ضاحت معلوم می شود که هر دو در شرایط یکسان و یکی پی دیگر، نخست «الضحی» و سپس «الشرح» نازل شده.

سوره «الضحی» را چنان می یابیم که پیامبر صلی الله علیه وسلم در محاصره مشکلات شدید است، فشارها، تهدیدها و مشکلات چون پرده تاریک شب بر او سایه افکنده. در سوره الضحی به او اطمینان داده می شود که پرده تاریک این شب ظلمانی دریده خواهد شد، فجر آینده روشن طلوع خواهد کرد و به آینده بهتری نائل خواهی آمد. در سوره «الشرح» می خوانیم که «بار کمر شکن» از دوشش برداشته شده، «الشرح صدر» نائل گردیده، کارش رونق یافته و شهرتش بالا رفته، برخی از دشواری ها و مشکلات رفع شده و از ناحیه حل حتمی دشواری ها باقی مانده به او اطمینان داده می شود.

اسباب نزول:

وقتی که مشرکان به دلیل فقر و تهیدستی مسلمانان را مورد سرزنش قرار دادند، این سوره نازل شد.

ابن جریر از حسن (رض) روایت کرده است: هنگامی که پروردگار متعال آیه «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» را نازل کرد، رسول الله گفت: شاد باشد که آرامش و راحت نصیب شما شد و هر گز یک سختی و بیچارگی نمی تواند دو راحتی و آسایش را مغلوب کند.

آشنایی با سوره انشراح:

مفسرین در این مورد همه متفق القول اند که: این سوره بعد از سوره «الضحی» نازل شده و محتوای آن نیز همین مطلب را تأیید می کند. در این سوره قسمتی از

سوره الشراح

مواهب الهی بر پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم شمرده شده است و در واقع سه نوع موهبت بزرگ در سوره والضحي آمده و سه موهبت بزرگ الهی در سوره انشراح آمده است. مواهب سه گانه این سوره همه جنبه معنوی دارد و بر سه محور دور می خورد. یکی بیان همین نعمتهای سه گانه و دیگر بشارت به پیامبر صلی الله علیه وسلم، از نظر برطرف شدن مشکلات دعوت او در آینده و دیگر توجه به خداوند یگانه و تحریص و ترغیب به عبادت و نیایش.

مجموع این سوره بیانگر عنایت خاص الهی به پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وسلم و تسلی او در برابر مشکلات و وعده نصرت و تأیید او در برابر مشکلات و فراز و نشیبهای راه رسالت است.

اگر کسی حالات پیامبر صلی الله علیه وسلم را دقیقاً مطالعه کند و میزان شرح صدر او را در حوادث سخت و پیچیده دوران زندگی اش بنگردد یقین می کند که این از طریق عادی ممکن نیست، بلکه يك تأیید الهی و ربانی است.

بخاطر همین شرح صدر بود که پیامبر صلی الله علیه وسلم به عالیترین وجهی مشکلات رسالت را پشت سر گذاشت و وظایف خود را در این راه به خوبی انجام داد. در سوره انشراح لحن آیات آمیخته با لطف و محبت فوق العاده پروردگار و تسلی و دلداري به نبی اکرم صلی الله علیه وسلم است.

در این سوره از پیامبر صلی الله علیه وسلم می خواهد که با توجه به این آثار درخشان، هیچ گاه از تلاش در راه خدا توقف نه نماید و هنگامی که کاری را به اتمام رساند، کار بزرگ تر و سختتری را شروع کند تا از آثار آن نیز بهره مند شود.

ترجمه مختصر:

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام الله بخشنده مهربان

- «أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ» (1) «آیا فراخ نساختیم برایت سینه ات را؟».
- «وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ» (2) «و بار سنگین تو را از (دوش) تو برنگرفتیم؟».
- «الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ» (3) «همان باری که پشت تو را سنگین کرده است؟».
- «وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ» (4) «و بلندی بخشیدیم یا د و ذکرت را؟».
- «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» (5) «پس بی گمان در کنار دشواری آسانی است».
- «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» (6) «به یقین در کنار دشواری آسانی است».
- «فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ» (7) «پس هنگامی که (در کار و بارت) فراغت یافتی، بکوش».

«وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ» (8) «و به سوی پروردگارت روی آر».

تفسیر مختصر سوره :

«أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ»

(آیا ما سینه تو را نگشودیم) و دلت را از بند غم حیرت رها نساختیم ، و تاب تحمل

سوره الشراح

نابسامانیهای محیط جاهلیت و سختیهای مسؤولیت بزرگ نبوت را به تو عطاء نکردیم؟). مفسرین در توضیح « أَلَمْ نَشْرَحْ . . . » می فرمایند : شرح صدر. کنایه از : سعه صدر، رهائی از غم و اندوه حیرت و ضلال پیش از نبوت، تاب تحمل مشکلات مسؤولیت نبوت و رهبری، صبر و حوصله در برابر ناملازمات محیط و در دسرهای کفار و مشرکان و دیگران است (ملاحظه فرماییدسوره انعام / 125 ، سوره زمر / 22 ، سوره طه / 25 ، سوره نحل / 106) . خواننده محترم!

اگر توجه فرموده باشید: در آیه « أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ » (ما تو را مشمول انواع نعمتها ساختیم!) پروردگار با عظمت ما با یک لحن آیات آمیخته با لطف و محبت فوق العاده و تسلی به پیامبر صلی الله علیه وسلم صحبت و خطاب فرموده است: «آیا ما سینه تو را گشاده نساختم».

منظور از « شرح صدر » در اینجا گسترش روح و فکر پیامبر به وسیله نور الهی و سکینه و آرامش خداداد می باشد، این توسعه می تواند مفهوم وسیعی داشته باشدکه هم وسعت علمی پیامبر را از طریق وحی و رسالت شامل گردد و هم بسط و گسترش تحمل و استقامت او در برابر لجاجتها و کارشکنیهای دشمنان و مخالفان. پیامبر صلی الله علیه وسلم الگوی کامل برای زندگی فردی و اجتماعی ما انسانها است؛ چراغ هدایتی است که جهان بشریت را روشنی بخشیده و با سیره و سخنش سنت های زیبا را پایه گذاری کرده و برنامه جامع سیر از خاک تا افلاک و از دنیا تا آخرت را ارائه فرموده است. از این روست که سیره و سخنان گهربار آن شخصیت بی بدیل توجهی ویژه می طلبد. یکی از سیره های پراهمیت آن حضرت شرح صدر است؛ سیره ای که خداوند در قرآن از آن با عظمت یاد می کند و آن را یکی از منت های بزرگ خویش بر می شمارد.

شرح صدر و گشادگی سینه پیامبر اسلام است که بار سنگین رسالت بر حضرتش قابل تحمل بود، بار سنگینی که پشت انسان را خم می کند.

همین شرح صدر است که او را در برابر همه ناملازمات سر بلند و پیروز می گرداند و خداوند آوازه اش را بلند می سازد. بهترین وسیله برای پیمودن راه حق و کمال، فراخی سینه و شرح صدر است. هرچه سینه فراختر باشد پرواز بلندتر است. سعه و گستردگی قلب و روح حبیب خدا تا آنجاست که بر ماسوای خداوند احاطه دارد و همه عالم ریزه خوار سفره نور و احسان آن رحمة للعالمین اند. هر چند قلم و بیان عاجز از درک روح بلند الهی آن بزرگوار است.

در تفسیر (آیه 125 سوره انعام) مفسر انوار القرآن می نویسد: «فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصَّعْدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرَّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ» «پس هر که را که خدا بخواهد هدایت کند، سینه وی را برای اسلام گشاده می کند» یعنی: دلش را باز و گشاده می کند تا اسلام را با سینه باز و منشرح بپذیرد.

سوره الشراح

در حدیث شریف به روایت عبدالرزاق، ابن جریر طبری و غیر ایشان آمده است: اصحاب از رسول الله صلی الله علیه وسلم راجع به این آیه پرسیدند؛ یا رسول الله! چگونه سینه انسان رامیافته گشاده می شود؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «نور یقذف فیہ، فینشرح له ویفسح: نوری است که در او افکنده می شود پس سینه اش از آن نور، باز و گشاده می شود». گفتند: آیا برای این گشادگی و انشراح، نشانه ای هم هست که با آن شناخته شود؟ فرمودند: «الإنابة إلى دار الخلود، والتجافی عن دار الغرور، والاستعداد للموت قبل لقاء الموت: آری! نشانه آن رجوع به سوی سرای جاودانگی، دل برکندن از سرای غرور و قرار و آرام نگرفتن در آن، و آمادگی برای مرگ قبل از روبروشدن با آن است». همچنین در حدیث شریف آمده است که از رسول الله صلی الله علیه وسلم سؤال شد: از مؤمنان چه کسی هوشیارتر و زیرکتر است؟ فرمودند: «بیشترین آنان در یادآوری از مرگ و بیشترین آنان در آمادگی برای بعد از مرگ». «و هر کس را که خداوند بخواد گمراه کند، سینه اش را تنگ می گرداند در نهایت تنگی» به طوری که در آن هیچ جایی برای ایمان و هدایت نباشد. ابن کثیر می گوید: «یعنی سینه اش را برای پذیرش (لا اله الا الله) تنگ می گرداند تا بدانجا که این کلمه طیبه به آن وارد نمی شود». زجاج می گوید: «حرج، نهایت تنگی است». «چنان که گویی به زحمت در آسمان بالا می رود» زیرا کسی که به آسمان بالا رود، به دلیل فشار هوا و کمبود اکسیژن، سخت احساس سینه تنگی می کند، گویی نزدیک است که خفه شود.

گفتنی است که با اکتشافات جدید علمی، روشن شده که این تشبیه از معجزات قرآن کریم می باشد زیرا حقیقت علمی ای که این آیه به بیان آن پرداخته، در عصر نزول قرآن کریم شناخته شده نبود. آری! این آیه، حال معنوی کسی را که به سوی اسلام فراخوانده می شود - درحالی که برای وی گمراهی مقدر شده است - به حالت حسی کسی تشبیه می کند که از بالا رفتن به سوی آسمان سخت احساس سینه تنگی می کند، گویی می خواهد خفقان بگیرد و این معنی که صعود به بالا سبب نفس تنگی می شود در روزگار نزول قرآن کریم شناخته شده نبود.

و علامه عبدالرحمن سعدی رحمه الله در تفسیر خود می نویسد: «خداوند متعال در حالی که علایم و نشانه های خوشبختی و هدایت، و بدبختی و گمراهی را برای بندگانش بیان می دارد، می فرماید: هرکس سینه اش برای پذیرش اسلام گشاد شد، یعنی سینه و درونش وسیع و باز شد، و به نور ایمان روشن گردید و با روشنایی یقین زنده گشت و آرامش یافت؛ خوبی را دوست داشت، و انجام دادن خیر و نیکی را زیبا یافت و از آن لذت برد و آن را دشوار ندانست، همانا این نشانه آن است که خداوند او را هدایت کرده و توفیق در پیش گرفتن درست ترین راه را به او ارزانی نموده است. و علامت کسی که خداوند می خواهد او را گمراه سازد این است که سینه اش را تنگ می گرداند. یعنی آن را در نهایت تنگی قرار می دهد، به گونه ای که در آن جایی برای ایمان و یقین یافت نمی شود، و در شبهات و شهوات فرو رفته، و خیری به او نمی رسد. و قلبش برای انجام کار خیر باز نمی گردد، و سینه اش آنگونه به تنگی و تپش می افتد

سوره الشراح

که گویا به آسمانها بالا می رود، و به زور او را به این کار وادار می کنند، اما راهی برای رفتن به آسمان نمی یابد.

و این بدان سبب است که آنها ایمان ندارند. پس این امر باعث شده است که خداوند پلیدی و عذاب را بر آنها قرار دهد؛ چون آنها دروازه رحمت و نیکوکاری را به روی خود بسته اند. و این ترازویی است که در آن ظلم و ستمی وجود ندارد، و راهی است که تغییر نمی کند. پس همانا هرکس ببخشد، و بدهد، و از خدا بترسد، و پرهیزگاری نماید، و آیین نیک را تصدیق کند، به زودی راه آسانی را در پیش پای او می گذاریم و آن را برایش آسان می گردانیم. و هرکس بخل ورزد، و خود را از خدا بی نیاز بداند، و آیین نیک را تکذیب کند، به زودی راه سختی را به او خواهیم نمود.

« وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ »

« و بار سنگین تو را از (دوش) تو برنگرفتیم؟ ». مفسرین در تفسیر کلمه « وَوَضَعْنَا » می نویسند: فرو آوردیم. پائین آوردیم.

« وزر » در لغت به معنی سنگینی است، کلمه (وزیر) نیز از همین معنی مشتق شده است، چون بارهای سنگین حکومت را بر دوش می کشد، و گناهان را نیز به همین جهت وزر گویند چرا که بار سنگینی است بر دوش گنهکار. بعضی از مفسرین (وزر) را به معنی بار سنگین (وحی) در آغاز نزول، تفسیر کرده اند.

بعضی نیز به ضلالت و گمراهی و لجاج و عناد مشرکان. و بعضی به اذیت و آزار فوق العاده آنها.

و بعضی به اندوه ناشی از وفات کاکای ابو طالب و همسرش خدیجه و بالاخره بعضی به مسأله عصمت و پاکی از گناه تفسیر کرده اند.

ولی ظاهراً همان تفسیر اول است.

هدف از آن بار کمرشکن غم و رنج حاصل از مشاهده کفر و شرک و تبهکاریها و خونریزیها و ستمگریها و نابسامانیهای جامعه پیش از نبوت، و تلاش و کوشش آن حضرت برای هدایت مردمان و دفع اذیت و آزار ایشان در آغاز نبوت است.

قرائن آیات به خوبی نشان می دهد که منظور همان مشکلات رسالت و نبوت، و دعوت به سوی توحید و یکتاپرستی، و برچیدن آثار فساد از آن محیط بسیار آلوده بوده است، نه تنها پیامبر صلی الله علیه وسلم که همه پیغمبران در آغاز دعوت با چنین مشکلات عظیمی روبرو بودند، و تنها با امدادهای الهی بر آنها پیروز می شدند، منتها شرائط محیط و زمان پیامبر صلی الله علیه وسلم از جهاتی سخت تر و سنگینتر بود.

« الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ »

همان بار سنگینی که پشت تو را در هم شکسته بود؟ « أَنْقَضَ » : سنگینی کرده بود.

گرانبار ساخته بود. مجازاً شکستن پشت معنی می دهد.

پروردگار با عظمت ما به ذکر موهبت دیگری از مواهب عظیم خود به پیامبر صلی الله علیه و سلم پرداخته می افزاید: آیا ما بار سنگین را از تو برداشتیم؟! همان باری

سوره الشراح

که سخت بر پشت تو سنگینی می کرد (الذی انقض ظهرک).
(انقض) از ماده (نقض) به معنی گشودن گره طناب ، یا جدا کردن قسمت‌های به هم فشرده ساختمان است ، و (انتقاض) به صدائی گفته می شود که به هنگام جدا شدن قطعات یک تعمیر از یکدیگر بگوش می رسد، و یا صدای مهره های کمر به هنگامی که زیر بار سنگینی قرار می گیرد.
این کلمه در مورد شکستن پیمانها و قراردادهای نیز به کار می رود و می گویند فلان کس نقض عهد کرد.

به این ترتیب آیه فوق می گوید: خداوند آن بار سنگین و کمرشکن را از تو برداشت. این کدام بار بود که خداوند از پشت پیامبرش برداشت؟ قرائن آیات به خوبی نشان می دهد که منظور همان مشکلات رسالت و نبوت ، و دعوت به سوی توحید و یکتاپرستی ، و برچیدن آثار فساد از آن محیط بسیار آلوده بوده است ، نه تنها پیامبر صلی الله علیه وسلم ، که همه پیامبران در آغاز دعوت با چنین مشکلات عظیمی روبرو بودند، و تنها با امدادهای الهی بر آنها پیروز می شدند، منتها شرائط محیط و زمان پیامبر صلی الله علیه وسلم از جهاتی سخت تر و سنگین تر بود.

«وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ»

و آوازه تو را بلند نکردیم و بالا نبردیم؟
« ذِکْرٌ » : آوازه . نام نیک . حسن شهرت . رفع ذکر آن حضرت صلی الله علیه وسلم اینست که در تمام شعایر اسلامی همراه با نام پروردگار با عظمت نام مبارک آنحضرت صلی الله علیه وسلم گرفته میشود ، بر همه مناره ها و منبر های جهان همراه با « أشهد أن لا اله الا الله ، دشهدأن محمد رسول الله » گفته می شود ، و هیچ انسان عاقلی اگرچه مسلمانی نباشد نام مبارک او را بدون احترام بر زبان نمی آورد.

«فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»

چرا که همراه با سختی و دشواری ، آسایش و آسودگی است .
« فَإِنَّ . . . » : بیان علت و سبب مطالب پیش است . « الْعُسْرُ » : سختی . دشواری (برای توضیح بیشتر به سوره : بقره / 185 ، سوره طلاق / 7 ، سوره کهف / 73)
مراجعه فرماید .

« يُسْرًا » : آسایش . آسودگی .

« إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا »

مسئلاً با سختی و دشواری ، آسایش و آسودگی است . « إِنَّ مَعَ . . . » : تکرار آیه ، برای تحکیم مطلب پیشین و تأکید این سنت خدائی در همه ادوار است .
مفسرین در تفسیر این آیه متبرکه می نویسند : « فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا (5) إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا (6) » این مژده بزرگی است که هرگاه سختی و دشواری در میان آید آسانی همراه آن خواهد بود، حتی اگر سختی و دشواری در سوراخ سوسماری برود آسانی بر آن وارد می شود و آن را بیرون می آورد. همان طور که خداوند متعال می فرماید: « سَيَجْعَلُ اللَّهُ

سوره الشراح

بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا» (سوره الطلاق: 7). «خداوند بعد از سختي، آساني خواهد آورد». و همانطور که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «فرج به همراه سختي و اندوه است و آساني با سختي همراه است».

و معرفه آمدن کلمه‌ی «عسر» در هر دو آیه بر این دلالت می‌کند که سختي و دشواري یکی است و نکره بودن کلمه «یسر» نشانگر آن است که آساني تکرار خواهد شد. و معرفه بودن کلمه‌ی «العسر» که الف و لام آن بر استغراق و عموم می‌باشد دل بر این است که سختي و دشواري هر چند شدت یابد در آخر آسان خواهد شد و آساني با آن همراه خواهد بود. سپس پیامبرش را به صورت مخاطب اصلي و مومنان را به تبع او دستور داد تا خدا را سپاس گذارند و وظیفه خود را در برابر عظمت او انجام دهند و فرمود: فَأِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ و قتی از کارهایت فراغت یافتي و در دل تو چیزی که آن را دچار مشکل نماید باقی نماند در دعا و عبادت بکوش.

«فَأِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ»

هرگاه (از کار مهمی) بپرداختی، به دنبال آن (به کار مهم دیگری بپرداز و در آن بکوش و) رنج ببر (و فرجام کاری را آغاز کار دیگری کن).
«فَرَغْتَ»: فراغت یافتي. تمام شدي و بیکار ماندي. «انصَبْ»: رنج ببر. مؤمن باید انسان متحرک و پویایی باشد و پس از فراغت از وظیفه‌ای، آماده کوشیدن و سختي کشیدن در وظیفه دیگری باشد. چون: ما زنده به آنیم که آرام نگیریم.

«وَالِی رَبِّكَ فَارْغَبْ»

و یکسره به سوي پروردگارت روي آر (و تنها بدو دل و امید ببند، و جز به او خود را مشغول مساز). یعنی هر گاه شما از یک زحمت دعوت حق و تبلیغ احکام، فارغ شدید، برای زحمت دیگر آماده باشید، و آن این که به نماز، ذکر الله، دعا و استغفار بپردازید.
«وَالِی رَبِّكَ فَارْغَبْ» و برای اجابت دعای خود فقط به پروردگارت روي بیاور و از کسانی مباش که وقتی کار و بارشان تمام می‌شود به بازی و سرگرمی مشغول می‌شوند و از پروردگار خود و از ذکر او اعراض می‌کنند. و اگر چنین کنی آنگاه از زیان کاران خواهی بود. و گفته شده معنی آیه چنین است: هرگاه از نماز فارغ شدي و آن را کامل نمودی در دعا بکوش و در خواستن نیازهایت به او روي بیاورد. و کسی که چنین گفته بر مشروعیت دعا و ذکر بعد از نمازهای فرض استدلال کرده است.

مفهوم توصیه به صبر در اسلام:

پروردگار با عظمت ما می‌فرماید: «وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (سوره انفال: 46)
(و صبر و استقامت کنید که خداوند با استقامت کنندگان است!)

همچنان در جایی دیگر می‌فرماید: «إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» (سوره یوسف: 90) (هر کس تقوا پیشه کند، و شکیبایی و استقامت نماید، (سرانجام پیروز می‌شود) چرا که خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند!)
و باز هم در (آیه 10 سوره زمر) می‌فرماید: «إِنَّمَا يُوفِي الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (صابران اجر و پاداش خود را بی حساب دریافت می‌دارند!)

سوره الشراح

« فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ » (سوره هود: 49) (بنابر این، صبر و استقامت کن، که عاقبت از آن پرهیزگاران است!)

پس شما را بر صبر نمودن توصیه می کنیم که ان شاء الله مشکلات بزودی حل خواهند شد چرا که برآستی پس از سختی آسانی در راه است: « إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا » سوره انشراح 6. یعنی: آری با دشواری آسانی است.

مفهوم « إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا » :

بسیاری از کسانی می پرسند که با توجه به این آیه چرا بعضی مسلمانها تا آخر عمرشان سختی میبینند؟ همیشه مصیبت ها بر پشت شان می آیند و به اصطلاح تا آخر عمر شان در عذابند؟ حتی آنهایی که بیشتر عمر خویش را در طاعات و عبادات سپری میکنند؟! در جواب باید گفت: چون خدای متعال بر آنها منت گذاشته و با این بهانه بسیاری از گناهانشان را پاک می کند، زیرا مصائب و سختیها و بلاها، کفاره گناهان هستند، و خوشحال آنکسانی که در بلا و مصیبت صبوری پیشه می کنند چرا که همین سختیها و ناخوشیها اگر با صبوری تحمل شوند خود موجب کفاره گناهانشان می شود، و شاید این لطف و رحمت الهی (تحمل و صبوری در برابر مشکلات) نصیب هر کسی نشود. ابوهریره رضی الله عنه می گوید:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ يُرِدِ اللَّهُ بِهِ خَيْرًا، يُصِبْ مِنْهُ». (رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «خداوند به هرکس که اراده خیر داشته باشد، او را گرفتار بلا می سازد». (بخاری: 5645).

و خدای متعال در مورد کسانی که صبور هستند می فرماید: «إِنَّمَا يُوفَى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (سوره الزمر: 10) یعنی: بی تردید شکیبایان پاداش خود را بی حساب [و] به تمام خواهند یافت.

و باز ابوهریره رضی الله عنه روایت می کند: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَمَثَلِ الْخَامَةِ مِنَ الزَّرْعِ، مِنْ حَيْثُ أَتَتْهَا الرِّيحُ كَفَأَتْهَا، فَإِذَا اعْتَدَلَتْ، تَكَفَأُ بِالْبَلَاءِ، وَالْفَاجِرُ كَالْأَرْزَةِ، صَمَاءٌ مُعْتَدِلَةٌ، حَتَّى يَقْصِمَهَا اللَّهُ إِذَا شَاءَ». (بخاری: 5644). یعنی: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «مثال مؤمن، مانند ساقه گیاهی است که از هر طرف، بادی به سراغ اش می آید و او را کج می کند. و هنگامی که باد، آرام می گیرد، راست می شود. (همیشه در بلا و مصیبت بسر می برد و این مصیبت ها باعث کفاره گناهان اش می گردند). اما فرد فاجر، مانند درخت کاج، سخت و استوار است تا اینکه مرگ اش فرامی رسد و خداوند او را نابود می گرداند». (یعنی کمتر دچار گرفتاری می شود).

و ابوسعید خدری و ابوهریره رضی الله عنهما می گویند: «مَا يُصِيبُ الْمُسْلِمَ مِنْ نَصَبٍ وَلَا وَصَبٍ، وَلَا هَمٍّ وَلَا حُزْنٍ، وَلَا أَدَى وَلَا غَمٍّ، حَتَّى الشُّوْكَةِ يُشَاكُّهَا، إِلَّا كَفَّرَ اللَّهُ بِهَا مِنْ خَطَايَاهُ». (بخاری: 5642).

سوره الشراح

یعنی: نبی اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: «مسلمان، دچار هیچگونه خستگی، مریضی، نگرانی، ناراحتی، گرفتاری و غمی نمی شود مگر اینکه خداوند به وسیله آنها، گناهانش را می بخشد. حتی خاری که به پایش می خورد» (باعث کفاره گناهانش می شود). پیامبر صلی الله علیه و سلم در مورد صبر و شکر بنده مؤمن فرموده است: «عجبا لأمر المؤمن إن أمره كله خير، وليس ذاك لأحد إلا للمؤمن؛ إن أصابته سرّاء شكر؛ فكان خيراً له، وإن أصابته ضراء صبر؛ فكان خيراً له» (روایت مسلم)

یعنی: چه عجیب است امر مؤمن، همه امورش برایش خیر است، و این برای کسی نیست مگر برای مؤمن، اگر نعمت به وی برسد شکر میکند، و این شکر کردن برایش خیر است، و اگر مصیبت به وی برسد صبر میکند، و این صبر کردن برایش خیر است. هکذا پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «حفت الجنة بالمكاره وحفت النار بالشهوات». مسلم (2822) و ترمذی (2559). یعنی: بهشت با سختیها پوشیده و جهنم نیز با شهوات پوشیده شده است.

بنابراین هرگاه بنده مومن متقی در بلا و مصیبتی قرار گرفت، باید آنرا به نعمت تبدیل کند! چگونه؟ با صبوری و سپاسگذاری کردن و راضی شدن به تقدیر الهی و توکل کردن به او در دفع آن سختی.. تا بدین ترتیب آنرا کفاره ی گناهانش کند.

در ضمن اینگونه هم که شما تصور می کنید نیست!؟ چرا که هر کسی در زندگی خود هم خوشی داشته و هم ناخوشی، و شاید در این میان بعضی از مومنان بیشتر در سختی ها باشند، که گاهی آن سختیها نتیجه اعمال و کارهای خودشان است چنانکه الله تعالی می فرماید: « وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ » (شوری 30).

یعنی: اگر شما را مصیبتی رسد، به خاطر کارهایی است که می کنید و خدا بسیاری از گناهان را عفو می کند.

و گاهی خدای متعال بنا به حکمت خویش وی را می آزمايد، چنانکه می فرماید: «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِيرِ الصَّابِرِينَ * الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ * أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ» (سوره بقره 155). یعنی: قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، و کاهش در مالها و جانها و میوهها، آزمایش می کنیم؛ و بشارت ده به استقامت کنندگان، آن کسانی که چون مصیبتی به آنها برسد گویند: «ما از آن خدا هستیم و به سوی او باز می گردیم» آنان درود و رحمت خدا شامل حالشان است و ایشان هدایت شوندگان هستند.

خداوند متعال خبر داده است که حتماً بندگان را به مشکلاتی گرفتار می نماید و با مصایبی می آزمايد (از قبیل آفت های آسمانی، غرق شدن، ضایع شدن، و اموالی که پادشاهان ستمگر و راهزنان با زور و فشار می ستانند. اما به هر حال اینگونه نیست که کل عمرش در سختی و عذاب باشد! و این تصور صحیح نیست و ما آنرا نمی پذیریم.

هدف از شق صدر رسول الله:

هدف از شق الصدر پیامبر محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم چه بوده است؟

سوره الشراح

اولا حادثه « شق الصدر » یعنی: « شکافتن سینه» پیامبر صلی الله علیه و سلم، هنگامی رخ داد که در قبیله بنی سعد برای رضاعت نزد حلیمه سعدیه زندگی می کرد ، تا اینکه بنا به گزارش ابن اسحاق چند ماه بعد، و یا بنا به نظر محققان در سن چهار سالگی ماجرای شکافته شدن سینه‌اش پیش آمد.

مسلم در صحیح خود از انس رضی الله عنه روایت کرده است که: « أَتَاهُ جِبْرِيلُ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ يَلْعَبُ مَعَ الْعِلْمَانِ فَأَحَدَهُ فَصَرَ عَهْ فَشَقَّ عَنْ قَلْبِهِ فَاسْتَخْرَجَ الْقَلْبَ فَاسْتَخْرَجَ مِنْهُ عَقَّةً فَقَالَ هَذَا حَظُّ الشَّيْطَانِ مِنْكَ ثُمَّ غَسَلَهُ فِي طَسْتٍ مِنْ ذَهَبٍ بِمَاءِ زَمْزَمَ ثُمَّ لَأَمَهُ ثُمَّ أَعَادَهُ فِي مَكَانِهِ وَجَاءَ الْعِلْمَانُ يَسْعَوْنَ إِلَى أُمِّهِ يَعْزِي طَيْرُهُ فَقَالُوا إِنَّ مُحَمَّدًا قَدْ قُتِلَ فَاسْتَقْبَلُوهُ وَهُوَ مُنْتَفِعُ اللَّوْنِ قَالَ أُنْسٌ وَقَدْ كُنْتُ أَرَى أَنْتَرَ ذَلِكَ الْمُحِيطِ فِي صَدْرِهِ ».

مسلم از انس روایت کرده است که جبریل علیه السلام نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد، در حالی که با اطفال دیگر مصروف بازی بود. او را از جای برگرفت و بر زمین خواباند و سینه او را برشکافت و قلب او را خارج ساخت، و از درون آن، لخته خونی را بیرون کشید و گفت: این است بهره شیطان از تو! آنگاه دل او را در طشتی زرین با آب زمزم شستشو داد؛ و سپس و به جای اولی اش بازگردانید و سینه اش را دوخت. اطفال نزد مادرش یعنی دایه‌اش شتافتند و گفتند: محمد را کشتند! همگی در پی یافتن او شتافتند. وقتی او را یافتند، رنگ رخساره‌اش دگرگون شده بود. انس گوید: من جای آن دوخت و دوز جبرئیل را روی سینه پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌دیدم (صحیح مسلم، کتاب الایمان، باب الاسراء، جلد 1، صفحه 147، ح 261). حلیمه سعدیه پس از این واقعه ترسید و او را به مادرش بازگردانید.

مطابق احادیث و روایات سیرت نویسان ، حادثه شکافتن سینه پیامبر صلی الله علیه و سلم سه بار در زندگی اش رخ داده است.

اول : هنگام کودکی همانطور که داستان آن در فوق بیان شد و این روایت در صحیح مسلم آمده است، و حکمتش همان بود که آن دو ملائکه بیان کردند و گفتند: « این است بهره شیطان از تو»، و یک لخته خونی را از قلبش جدا کردند.

دوم : قبل از بعثت، و حکمتش این بود که با قلب کاملتر و قویتری وحی را استقبال کند. حافظ ابن حجر در کتابش «الفتح» در شرح اسراء و معراج گفت: «و شکافتن سینه پیامبر صلی الله علیه و سلم هنگام بعثتش ثابت شده است همانطور که ابو نعیم این روایت را در کتاب «الدلائل» بیان کرده است»، و نویسندگان سیرت پیامبر صلی الله علیه و سلم نیز این حادثه را بیان کرده اند.

سوم : قبل از حادثه اسراء و معراج، و حکمتش این بود که با قلب پاکتر و قویتری برای مناجات پروردگار بطور مستقیم آماده گردد، و این حادثه در صحیحین و همچنین کتب احادیث دیگر ثابت شده است.

آثار گناه :

1- یکی از مهمترین آثار گناه، محروم شدن از علم و دانش است؛ علمی که خداوند در

سوره الشراح

قرآن و سنت قرار داده است و مایه سعادت دنیوی و اخروی بشر است؛ انسانهای گناهکار از این علم محروم میشوند. الله عزوجل میفرماید: «... وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (سوره البقره آیه: 282) «از خدا بترسید و تقوی داشته باشید، خداوند شما را میآموزد.»

امام شافعی رحمه الله میفرماید: «همانا علم، نور خداست و نور خدا به انسانهای گناهکار داده نمی شود.»

2- گناه و معاصی عقل انسان را فاسد و خراب میکند و قوه ادراک و خوب فکر کردن را از انسان میگیرد و انسان را در هر امری به چالش میکشاند. از بعضی از سلف صالح (رحمهم الله) نقل شده است که میفرماید: «هر کس معصیت خدا کند، عقل او ضایع می شود و گناه، نور عقل را از بین می برد و ضعف و سستی جای آن را میگیرد.»

3- گناه و معصیت، قلب را ضعیف و تاریک میکند و آن را به خرابیهای تبدیل میکند که هیچ اراده و تصمیم خوبی از آن تراوش نمیکند. با اصرار بر گناه و انباشته شدن آن، خداوند قلب گنهکار را مهر میکند؛ به همین دلیل، قلب انسان، کور و صاحب آن در زمره غافلان محشور میشود. آتش جهنم اول قلبها را مورد حمله قرار میدهد و آن را با بدترین شعلهای خود می سوزاند.

4- گناه، انسان را ذلیل و خوار می کند و عزت و سربلندی را از او می گیرد .
قال الله تعالى: « مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعاً إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَكْرُ أُولَئِكَ هُوَ يَبُورُ » (سوره فاطر « آیه 10) اگر کسی عزت و سر بلندی میخواهد، همانا تمامی عزت از آن الله است.»

5- یکی از اثرات بد گناه، از بین رفتن «حیاء» است. حیاء که مایه زنده بودن قلب و اصل همه خوبیها و خیرهاست، بر اثر تکرار گناه و اصرار بر آن، از بین میرود. رسول اکرم صلی الله علیه و سلم می فرماید: « الْحَيَاءُ خَيْرٌ كُلُّهُ » صحیح مسلم حیاء همه اش خیر است.

6- گناه باعث از بین رفتن رزق و روزی و نعمتهای خدا بر بندگان میشود و سبب می شود که برکت از رزق و روزی و عمر و علم و عمل انسان گرفته میشود.
قال الله تعالى: « وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ » (سوره الأعراف : 96) «اگر مردمان این شهر ها و آبادیها به خدا و انبیاء ایمان میآوردند و از کفر و معاصی پرهیز میکردند؛ درگاه خیرات و برکات آسمان و زمین را بر روی آنها میگشودیم.»

رسول اکرم میفرماید: « إِنَّ الرَّجُلَ لِيُحْرَمَ الرِّزْقَ بِالذَّنْبِ الَّذِي يُصِيبُهُ » ابن حبان- حسن «همانا شخص به وسیلهی گناهی که انجام میدهد از رزق و روزی محروم میشود.»

7- گناه سبب میشود که شیاطین و جنها به انسان نزدیک و بر او مسلط شوند و او را مورد آزار و اذیت قرار دهند و روزبهروز بسوی فساد و هلاکت بکشانند .

8- گناه سبب نافرمانی و گستاخی خانواده و فرزندان بر فرد میشود. تا جایی که فرزندش

سوره الشراح

(فرزند دل‌بند و جگرگوشه‌اش که او را با خوندل بزرگ کرده) بر او جرأت پیدا میکند و او را مورد آزار و اذیت و نافرمانی قرار میدهد. اما اطاعت و بندگی خدا، انسان را در مقابل همه این مصائب حفظ میکند و فرزند را عصای دستش و نور چشمش قرار میدهد. 9- اما بدترین اثر گناه: همانطور که انسان خدا را فراموش میکند، خداوند نیز او را فراموش میکند. خداوند برای چنین شخصی دو عقوبت قرار داده است. به این آیات توجه کنید:

الف: وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (سوره الحشر: 19)
(مانند کسانی نباشید که خدا را از یاد برده اند، پس خدا هم خودشان را از یاد خودشان برد مصالح و اسباب سعادت خود را همچنین و خوبی را از بدی تشخیص نمی دهند- آنان همانا بدکارانند»

ب- قال تعالى: ... نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ « (سوره التوبه آیه 67)
(خداوند را فراموش کرده اند و خدا هم ایشان را فراموش کرده است.» خداوند آنها را در دنیا و آخرت فراموش میکند و آنها را از لطف و رحمت خود محروم میکند.)
10- گناه باعث می شود که فرشتگان خدا از انسان دور شوند. فرشتگان خدا در همه حالات همراه انسان هستند و مایه نزول رحمت و مغفرت و برکت خدا بر انسان هستند. زمانی که انسان معصیت و نافرمانی الله عزوجل میکند، فرشتگان از انسان دور میگردند و انسان از این لطف خداوند محروم میشود.

11- یکی از عواقب گناه فساد و خرابی در آب و هوا و زراعت و میوه ها میباشد. الله تبارک و تعالی میفرماید: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (سوره الروم: 41) (تباهی و خرابی در دریا و خشکی به خاطر کارهایی پدیدار گشته است که مردمان انجام میدادند. بدینوسیله خدا سزای برخی از کارهایی را که انسانها انجام میدهند، بدیشان میچشاند تا اینکه آنها برگردند.)

12- گناه، انسانها را به وسیله سیل و زلزله، لرزش زمین و طوفان و صاعقه و انفجار هلاک میکند و از بین می برد.

از ام المومنین زینب بنت جحش روایت شده که میفرماید: «يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنْهَلِكُ وَفِينَا الصَّالِحُونَ؟ قَالَ: نَعَمْ إِذَا كَثُرَ الْخَبْتُ» متفق علیه «ای رسول الله آیا در حالیکه انسانهای صالح در بین ما هستند، دچار هلاکت میشویم؟ فرمود: بله، هرگاه فسق و فجور زیاد شود. از سهل بن سعد روایت شده است پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «سیکون فی آخر الزمان خسف، وقذف ومسح» قیل: ومتی ذلک یا رسول الله؟ قال: «إذا ظهرت المعازف والقينات». «در آخر الزمان زبونی و خواری، دشنام و ناسزا و زشتی و بد شکلی ظاهر میشود سؤال شد چه وقت ای پیامبر خدا؟ فرمودند «وقتی که آلات موسیقی و زنان خواننده ظاهر شوند». صحیح جامع الصغیر.

صدق الله العظيم و صدق رسوله نبی الکریم.

فهرست مطالب :

- معلومات مؤجز
- اسباب نزول
- آشنایی با سوره انشراح
- ترجمه مختصر
- تفسیر مختصر سوره
- مفهوم توصیه به صبر در اسلام
- مفهوم «ان مع العسر يسرا»
- هدف از شق صدر رسول الله
- آثار گناه

منابع و مأخذ های عمده:

- تفسیر و بیان کلمات قرآن کریم (تالیف شیخ حسنین محمد مخلوف و اسباب نزول علامه جلال الدین سیوطی ترجمه از عبد الکریم ارشد فاریابی
- تفسیر انوار القرآن - نوشته: عبدالرؤف مخلص هروی
- فیض الباری شرح صحیح البخاری داکتر عبد الرحیم فیروز هروی
- تفسیر طبری - امام المفسرین
- تفسیر المیزان
- تفسیر پرتوی از قرآن
- تفسیر القرآن الکریم - ابن کثیر (متوفی سال 774 هـ)
- مفردات الفاظ القرآن، از راغب اصفانی
- جلوه های از اسرار قرآن حکمتیار
- تفسیر معارف القرآن مؤلف حضرت علامه مفتی محمد شفیع عثمانی دیوبندی مترجم مولانا محمد یوسف حسین پور
- تفسیر فی ظلال القرآن، سید قطب (متوفی سال 1387 هـ)
- تفسیر نور تألیف داکتر مصطفی خرم دل
- تفسیر کابلی (تالیف: شیخ محمود الحسن دیوبندی مترجم: هیاتی از علمای افغانستان)
- صحیح مسلم
- صحیح البخاری